Quarterly Journal of
Strategic Studies of Public Policy

Autumn 2021, Volume 11, Number 40

Research Paper

Designing a Collaborative Governance Model With a Combined Approach: Context of Electricity Demand Side Management in Iran

Ehsan Zabihzadeh[1], *Saeed Sayyad Shirkosh[2], Farideh Haghshenas Kashani[3]

1. PhD Student of Governmental Nanagement, Faculty of Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Department of Governmental Nanagement, Faculty of Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Department of Business Management and Entrepreneurship, Faculty of Management, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Use your device to scan and read the article online

Citation: Zabihzadeh, E., Sayyad Shirkosh, S., & Haghshenas Kashani, F. (2021). [Designing a Collaborative Governance Model With a Combined Approach: Context of Electricity Demand Side Management in Iran (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy, 11*(40), 184-209.

CC BY NC

Received: 07 Jun 2021
Accepted: 24 Agu 2021
Available Online: 01 Nov 2021

Keywords:
Governance, Collaboration, Demand Side Management, Electricity Sector

ABSTRACT

Electricity supply constraints have become a public problem. The situation of electricity demand in terms of productivity is unfavorable. Due to the lack of effective governance on the electricity demand side and the inefficiency of top-down governance methods, the purpose of this study is to design a collaborative governance model for demand management. The research method is combined in terms of data nature and developmental and applied research in terms of purpose. The participants are 9 expert person who were selected by purposive sampling and volume their selection was determined based on theoretical saturation. The statistical population was slightly equal to the employees of the industry, major consumers and institutions influencing policy-making. The statistical sample of 384 people was randomly selected. Data collection was through in-depth semi-structured interviews and questionnaires. Data analysis was performed using thematic analysis technique and structural equations. The results cause identifying model parameters including system context, factors affecting collaboration, collaboration process, collaboration facilitator and achievements. The results showed; The context of the system and the factors have a positive and significant effect on process and the achievements of collaboration, and the collaboration facilitator moderates the relationship between process and the achievements of collaboration. The establishment of a demand management market, an independent regulator and local energy service institutions are among the institutional proposals extracted from this study. Implementing the model can bring many benefits such as security of electricity supply in longtime, economic benefits and generalization of collaborative models for solving public problems in the country.

*** Corresponding Author:**
Saeed Sayyad Shirkosh, PhD.
Address: Department of Governmental Nanagement, Faculty of Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
E-mail: saeed.sayad@gmail.com

مقاله پژوهشی

طراحی مدل حکمرانی مشارکتی با رویکرد ترکیبی: زمینه مدیریت تقاضای برق در ایران

احسان ذبیح‌زاده[۱]، *سعید صیاد شیرکش[۲]، فریده حق‌شناس کاشانی[۳]

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
۲. گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
۳. گروه مدیریت کسب و کار و کارآفرینی، دانشکده مدیریت،دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۷ خرداد ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۰۲ شهریور ۱۴۰۰
تاریخ انتشار: ۱۰ آبان ۱۴۰۰

چکیده

محدودیت‌های تأمین برق تبدیل به یک مسئله عمومی شده است. در کنار عوامل مربوط به سمت عرضه، وضعیت تقاضای برق به لحاظ میزان مصرف و بهره‌وری، وضعیت نامطلوبی دارد. با توجه به عدم حاکمیت مؤثر سمت عرضه بر سمت تقاضای برق و ناکارآمدی روش‌های حکمرانی بالا به پایین، هدف از این تحقیق، طراحی مدل حکمرانی مشارکتی برای مدیریت تقاضا است. روش پژوهش به لحاظ ماهیت داده، ترکیبی و هدف توسعه‌ای و کاربردی دارد. مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی را نُه نفر از خبرگان عرضه و تقاضای برق تشکیل می‌دهد که به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و حجم انتخاب آنان بر اساس اشباع نظری تعیین شد. جامعه آماری در بخش کمّی برابر با کارکنان صنعت برق، مصرف‌کنندگان عمده برق و نهادهای اثرگذار برابر با ۳۸۴ نفر به صورت تصادفی انتخاب شد. گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق و پرسش‌نامه بود و تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق فن تحلیل مضمون و معادلات ساختاری انجام شد. نتایج منجر به شناسایی شاخص‌های زمینه سیستم، عوامل مؤثر بر مشارکت، مشارکت، تسهیل‌گر مشارکت و دستاوردهای مشارکت شد. همچنین نتایج نشان داد که زمینه سیستم و عوامل مشارکت بر مشارکت و دستاوردهای مشارکت تأثیر مثبت و معناداری دارد و تسهیل‌گر مشارکت، رابطه بین مشارکت و دستاوردهای مشارکت را تعدیل می‌کند. تأسیس بازار مدیریت تقاضا، نهاد تنظیم‌گر مقررات مستقل و نهادهای خدمات انرژی محلی، ازجمله پیشنهادهای نهادی استخراج‌شده از این تحقیق هستند. پیاده‌سازی این مدل می‌تواند منافعی، ازجمله امنیت عرضه برق بلندمدت، منافع اقتصادی و تعمیم‌پذیری الگوهای مشارکتی در کشور ایجاد کند.

کلیدواژه‌ها:
حمکرانی، مشارکت، مدیریت تقاضا، بخش برق

* **نویسنده مسئول:**
دکتر سعید صیاد شیرکش
نشانی: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده مدیریت، گروه مدیریت دولتی.
پست الکترونیکی: saeed.sayad@gmail.com

مقدمه

پس از چهار دهه اصلاحات، هنوز سؤال در مورد چگونگی بهبود سازمان‌های خدمات عمومی ادامه دارد و نیاز بیشتری به یافتن روش‌ها، رویکردها و مدل‌های جدید وجود دارد که بتواند ظرفیت و مشروعیت این سازمان‌ها را برای تأمین منافع عمومی بهبود بخشد. چالش عمده امروز این است که چگونه چندین صدای مختلف در فرایندهای خط مشی عمومی به یک صدای واحد تبدیل شود. تمایل به مواجهه با این چالش در افزایش علاقه به مفهوم و عملکرد رویکردهای مشارکتی برای حکمرانی منعکس می‌شود (Gray and Harrison, 1999; Men-ahem and Stein, 2013; Howlett, 2014; Wu, Ramesh and Howlett, 2015; Ansell, Sørensen and Torfing, 2017; Halpin, and Fraussen 2017; Lahat & Hadar, 2020).

این مسئله باعث شده تا محققان برای حکمرانی مشارکتی ترتیبی اتخاذ کنند (Wanna, 2008; Kekez, Howlett and Ramesh, 2019). این علاقه به حکمرانی مشارکتی، بخشی از موج سوم اصلاحات است که از ابتدای هزاره سوم آغاز شده است که برخی از آن به عنوان بُعد جدیدی از مدیریت عمومی یاد می‌کنند (Pollitt and Bouckaert, 2011). پس لزوم کنترل و هماهنگی بهتر ساختارهای پراکنده سازمان‌های دولتی و عمومی و ایجاد تعادل در تأکید بر سازوکارهای بازار، تقاضای چشم‌انداز جدیدی را برای مدیریت دولتی ایجاد کرده است (Lahat & Ha-dar, 2020).

برخی سعی کردند با پیشنهاد اعتماد سازمان‌های عمومی به شهروندان و سهامداران از داخل و خارج از سازمان، به برخی از مشکلات سازمان‌های عمومی پاسخ دهند. برای تحقق این اهداف، پیاده‌سازی مدل‌های جدید مدیریتی، حکمرانی دوران دیجیتالی و مدیریت ارزش عمومی که باعث اعتماد، همکاری و ایجاد شبکه‌ها در این راستا می‌شود، تأکید شده است (Lodge and Gill, 2011; Van de Walle et al., 2016).

به طور کلی، نهادهای سمت عرضه برق شامل وزارت نیرو و شرکت‌های برق زیرمجموعه آن، حاکمیت مؤثری بر بخش‌های مصرف شامل بخش‌های عمده صنعتی، خانگی، کشاورزی و عمومی ندارند و همان‌طور که از عنوان بخش‌های مصرف برمی‌آید، بیشتر تحت حاکمیت سایر بخش‌های دولتی و غیردولتی قرار دارند؛ بنابراین شیوه‌های حکمرانی مرسوم در بخش برق که شیوه بالا به پایین و سیستم فرماندهی و کنترل است، برای راهبرد مدیریت تقاضای برق کارآمد نیست.

مسئله اصلی پژوهش آن است که از آنجا که تأمین نیاز مصرف برق به صورت مستمر و پایدار، به عنوان زیرساخت حیات اقتصادی و اجتماعی کشور و مصرف بهینه آن، نیازمند مشارکت ذی‌نفعان کلیدی آن در تصمیم‌گیری‌های مربوطه است، در صورت وجود یک سازوکار حکمرانی مشارکتی به عنوان یک روش تصمیم‌گیری که از جنبه‌های مختلف و دیدگاه‌های متنوع حول یک موضوع بهره می‌برد، می‌توان اثربخشی خط مشی‌های عمومی در مصرف انرژی و مدیریت تقاضای برق را بهبود داد. در حال حاضر، میزان دریافت انرژی و مصرف آن توسط جوامع بشری، از استطاعت محیط‌زیست بیشتر است. به این معنی که این میزان مصرف انرژی در جهان به دلیل مصرف منابع تجدیدناپذیر، ایجاد و انتشار آلوده‌کننده‌های محیط زیست، گرم کردن جو کره زمین و به تبع آن تغییرات اقلیمی شدید، سهم آیندگان از منابع انرژی و فرصت حیات باکیفیت در زمین را کاهش می‌دهد.

بنابراین از لحاظ اخلاقی و اقتصادی، مصرف روزافزون و لجام‌گسیخته انواع حامل‌های انرژی از جمله برق قابل قبول نیست. حتی اگر مصرف‌کنندگان در پرداخت بهای برق مصرفی هیچ محدودیتی نداشته باشند و بتوانند همه هزینه‌های مستقیم و هزینه‌های اثرات جانبی آن را بپردازند.

بر این اساس مشارکت ذی‌نفعان خدمات برق شامل نهادهای وضع خط مشی، تنظیم‌کننده مقررات، شرکت‌های برق، نهادهای اثرگذار دولتی و عمومی ملی و استانی، هواداران حفظ محیط زیست، حمایت‌کنندگان از حقوق مصرف‌کنندگان، بخش‌های مختلف مصرف مانند بخش‌های صنعتی، کشاورزی، تجاری، عمومی در جریان خط‌مشی، از مراحل اولیه نیاز و درک مسئله تا اجرای خط مشی، نیازمند ساختاربخشی است (Baldwin & et al., 2018).

این امر از طریق طراحی مدل حکمرانی مدیریت تقاضای برق با استفاده از ادبیات و تجارب بین‌المللی و ملی موجود با لحاظ کردن ویژگی‌های بخش برق ایران و ساختار همکاری‌های میان‌نهادی به صورت میان‌بخشی و چندسطحی در ایران امکان‌پذیر خواهد بود. به عبارت دیگر، این تحقیق در پی یافتن پاسخ به این سؤال کلیدی است که با توجه به ضرورت مشارکت ذی‌نفعان، مدل حکمرانی مشارکتی مناسب برای مدیریت تقاضای برق در کشور ایران چیست؟

۱. ادبیات موضوع

در چند دهه اخیر انتقال از رویکرد اداره عمومی[1]، به مدیریت عمومی نوین[2]، خدمت عمومی نوین[3] و به آرایش پیچیده شبکه‌ای، تنها تغییر در زمینه حکمرانی نیست. شاهد وقایع منظم و غیرعادی، تغییرات شدید امور مالی و بحران‌های خط مشی هستیم. حکومت در یک آرایش شبکه‌ای قفل‌شده، مناظرات خط مشی قطبی‌شده و عدم توانایی در توافق میان ذی‌نفعان قرار گرفته است.

نتیجه، نه‌تنها کاهشی در پشتیبانی سیاسی و بودجه‌ای از خط مشی‌ها و برنامه‌های عمومی بوده است، بلکه همچنین کاهشی در ظرفیت‌های حل مسائل وقوع یافته است. درنتیجه این امر موجب بالاترین سطوح بی‌اعتمادی و ناامیدی از حکومت‌ها که تا به حال دیده‌شده را شده است. حکمرانی عمومی به عنوان نظام‌هایی از قوانین، مقررات اداری، احکام قضایی و اقداماتی که محدودکننده، تجویزکننده و توانمندکننده تولید و ارائه کالاها و خدمات عمومی است، و راهنمای تصمیم‌گیری جمعی توسط گروه‌های متشکل از افراد یا سازمان‌ها یا نظام‌های متشکل از سازمان‌هایی که تصمیمات را اتخاذ می‌کنند (Emerson & Nabatchi, 2015).

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد اجزای کلیدی حکمرانی خوب را شامل شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، مشارکت و خدمت‌گزاری به ذی‌نفعان تعریف می‌کند و حمرانی مشارکتی که نوعی از حکمرانی عمومی است بر جنبه مشارکتی از ویژگی‌های حکمرانی خوب تأکید می‌کند. حکمرانی مشارکتی راهی برای هدایت خط مشی‌هاست که در آن دولت، شهروندان، سازمان‌های اجتماعی، بنگاه‌های اقتصادی و سایر ذی‌نفعان را از مراحل اولیه فرایند خط مشی‌گذاری دخیل می‌کند.

بر این اساس، تصمیم‌گیری تعاملی یک فعالیت خط مشی است که در آن بازیگران مشارکت‌کننده برای دست‌یابی به راه‌حلی همکارانه، با اجماعی گسترده

1. Public Administration
2. New Public Managemnet
3. New Public Service

تلاش می‌کنند. حکمرانی مشارکتی می‌تواند به عنوان ابزاری برای دست‌یابی توافق قابل قبول‌تر، غنی‌تر و تصمیمات تاب‌آورتر دیده شود و فرایند تصمیم‌گیری منعطف که برای مشارکت دیدگاه‌ها و ذی‌نفعان مختلف باز است را تشویق کند (Kushler & et all., 2006).

حکمرانی را می‌توان به عنوان هماهنگی و انسجام میان بازیگران مختلفی با منافع و اهداف مختلف در نظر گرفت (Marquardt, 2017). در سال‌های اولیه، مطالعات مربوط به حکمرانی در مدیریت عمومی عمدتاً از منظر سیاست بود؛ بنابراین مفاهیم اصلی حکمرانی می‌توانند غیررسمی و غیراجباری باشند. به طور خاص، غیررسمی بودن به این معنا است که فعالیت‌های حکمرانی محدود به دولت و نهادهای رسمی نیست، بلکه به شهروندان و سازمان‌های منفرد نیز گسترش می‌یابد. غیراجباری به این واقعیت اشاره دارد که فعالیت‌های حکمرانی می‌تواند بدون مجوز دولت و تضمین قدرت دولت رخ دهد (Rosenau & et al., 1992).

به عنوان مثال، برای حل چالش‌های مربوط به محیط‌زیست جهانی و توسعه پایدار، حکمرانی چند سطحی مورد نیاز است که شامل سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی، جوامع و مصرف‌کنندگان می‌شود (Marquardt, 2017). برای دست‌یابی به نوآوری در حفاظت از محیط‌زیست، به رویکرد حکمرانی چندسطحی با ائتلاف دولت، تجارت و جامعه مدنی لازم است. تئوری حکمرانی غیرمتمرکز می‌تواند در بخش‌های خصوصی نیز مورد استفاده قرار گیرد، جایی که مسئولیت مشترک در کنار بهبود کالاهای عمومی و کارایی خدمات عمومی تعریف شده باشد (Ostrom, 2010).

امرسون و همکاران، چارچوبی برای حکمرانی مشارکتی ایجاد کرد که حاوی مؤلفه‌های زمینه سیستم، محرک‌ها، پویایی‌های مشترک (شامل تعامل اصولی، انگیزه مشترک و ظرفیت اقدام مشترک)، خروجی اقدامات مشترک، تأثیر و سازگاری است. مطالعات مربوط به حکمرانی مشارکتی در بسیاری از کشورها هنوز توسعه نیافته است.

پیشنهاد شده که می‌توان از طریق مشارکت برابر، مشاوره و گفت‌وگو و همکاری سازنده، حکمرانی مشارکتی را به دست آورد. همچنین، این همکاری باید منافع عمومی را به عنوان یک هدف مشترک همراه با یک سیستم حکمرانی جامع و مؤثر در محدوده قانون و اخلاق در نظر بگیرد. عناصر حکمرانی مشارکتی را می‌توان به عنوان موضوع، هدف، شکل و محیط مشارکتی شناسایی کرد (Hu, 2015).

نظریه حکمرانی با نقش سیاستی دولت که در مراحل مختلف زمینه سیستم تغییر می‌کند، تکامل می‌یابد. یک مطالعه موردی عمیق در مورد اکوسیستم نوآوری چانگژوی چین نشان می‌دهد که سیاست‌های دولت می‌تواند در مراحل اولیه که منابع دانش از دانشگاه‌ها و شرکت‌ها محدود است، نقش اصلی را داشته باشد. با این حال، به محض بلوغ اکوسیستم نوآوری، دولت می‌تواند به عنوان تسهیل‌کننده و هماهنگ‌کننده از سمت خود کناره‌گیری کند (Ma & et al., 2019). در جدول شماره ۱، پیشینه پژوهش و همچنین مدل‌های تدوین‌شده، مورد تشریح قرار گرفته است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ ماهیت داده از نوع ترکیبی (کیفی و کمّی) و به لحاظ هدف از نوع توسعه‌ای و کاربردی است. این مقاله از رساله دکتری استخراج شده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش در مصاحبه

جدول ۱. خلاصه نتایج تحقیقات پیشین در موضوع حکمرانی مشارکتی

پژوهشگران	عنوان پژوهش	نتایج
زندرضوی، خانیکی، نصرالهی و بوستانی (۱۳۹۷)	درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب بررسی کیفی ادراک ارتباطی ذی‌نفعان آب‌های زیرزمینی دشت رفسنجان	نتایج منجر به شناسایی شاخص‌های درخواست مشارکت، انصاف، پاسخ‌گویی، ادراک تغییرات اقلیمی و بینش مشارکت‌جو است.
محمدی و دانایی‌فرد (۱۳۹۸)	الگوی حکمرانی مشارکتی توسعه انرژی تجدیدپذیر ایران: رویکرد نهادی	نتایج منجر به شناسایی شاخص‌های رهبری ساختاری، انگیزشی، انگیزه‌های مشارکت، نتایج مشارکت و وابستگی تغییر در نهادهای رسمی، هنجاری و شناختی شد.
تارمحمدی، عبداله‌زاده، شریف‌زاده و قزل (۱۳۹۹)	بررسی امکان‌پذیری حکمروایی خوب در فرایند مدیریت مشارکتی آب در شهرستان آق‌قلا	نتایج بررسی وضعیت تحقق مؤلفه‌های حکمرانی خوب در فرایند مدیریت مشارکتی آب نشان داد که بیشتر پاسخ‌گویان اعتقاد داشتند که مؤلفه‌های حکمرانی خوب در فرایند مدیریت مشارکتی آب در منطقه مورد مطالعه در سطح قابل قبولی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای هم نشان داد که فرایند مدیریت مشارکتی آب در منطقه مورد مطالعه از نظر توجه به هر پنج مؤلفه حکمرانی خوب، یعنی مشارکت مردمی و توافق جمعی، مسئولیت‌پذیری و قانون‌محوری، پاسخ‌گویی و شفافیت، انصاف و کارایی و اثربخشی موفق بوده است.
زادک و همکاران (۲۰۰۶)	حکمرانی بر حکمرانی مشارکتی: ارتقای دستاوردها با بهبود حکمرانی مشارکتی و پاسخ‌گویی	چارچوبی برای حکمرانی بر مشارکت‌ها و پاسخ‌گویی در فضای مشارکتی متشکل از سه بخش اصول شامل دوازده اصل، یک ابزار تحت وب تشخیص عملکرد مشارکت در شش حوزه و یک مجموعه خطوط راهنما بر اساس اصول، ارائه شده است.
گودین و همکاران (۲۰۰۶)	کتاب راهنمای خط مشی عمومی آکسفورد	ابعاد حکمرانی مشارکتی را در شش بُعد رسمیت، مدت‌زمان، تمرکز، تنوع مشارکت‌کنندگان، پایداری (تقسیم اهداف و عبور از تفاوت‌ها) و اختیار و قدرت تقسیم‌بندی کرد.
مک‌گیر (۲۰۰۶)	مدیریت عمومی مشارکتی: ارزیابی آنچه که می‌دانیم و چگونگی دانستن آن	با مرور ادبیات موضوع نتیجه گرفته شده که مشارکت در مدیریت عمومی مانند مدیریت بوروکراسی‌ها و حتی بیشتر از آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی، محیط‌زیست، مدیریت شرایط اضطراری و خدمات اجتماعی و انسانی کاربرد دارد. مشارکتی که نیاز به کار جمعی میان‌دولتی، میان‌بخشی، میان‌سازمانی و میان‌مرزی دارد.
اُوفلین و همکاران (۲۰۰۸)	حکمرانی مشارکتی: حوزه‌ای جدید در خط مشی‌گذاری عمومی در استرالیا	روند تغییرات فرایندی حکمرانی از فرمان‌دهی با کنترل متمرکز تا مشارکت میان نهادهای مستقل به همراه ویژگی‌های آن را تبیین کرده است.

پژوهشگران	عنوان پژوهش	نتایج
آنسل و گاش (۲۰۰۸)	حکمرانی مشارکتی در تئوری و عمل	تعریفی جامع از حکمرانی مشارکتی ارائه شد: یک آرایش حکمرانی که در آن یک یا چند نهاد عمومی مستقیماً ذی‌نفعان غیردولتی را برای شرکت در یک فرایند تصمیم‌گیری جمعی تشویق می‌کنند به صورتی رسمی، اجماع‌محور و مشورتی معرفی شده و هدف آن تدوین، اجرای خط مشی عمومی، مدیریت برنامه‌های عمومی یا دارایی‌های عمومی است. مدلی از حکمرانی مشارکتی نیز شامل ابعاد و اجزای زیر ارائه شد: اجزای اصلی آن شرایط آغازکننده، فرایند مشارکت، طراحی نهادی، رهبری و نتایج است. شرایط آغازکننده: قدرت منابع دانش عدم تقارن‌ها، تاریخچه همکاری یا تعارض (سطح اولیه عتماد)، مشوق‌ها و محدودیت‌ها برای مشارکت، فرایند مشارکت (چرخه): اعتمادسازی تعهد به فرایند، فهم مشترک، نتایج میانی گفتمان رو در رو طراحی نهادی: شمول شرکت‌کنندگان، محدودیت نشست‌ها، مقررات زمینه‌ای مشخص و شفافیت فرایند
جونگ و همکاران (۲۰۰۹)	حکمرانی مشارکتی در آمریکا و کره: نمونه‌هایی در خط مشی‌گذاری و خدمات	چهار آرایش نهادی حکمرانی شامل آرایش‌های مبتنی بر اقتدار: سلسله‌مراتب دولتی، آرایش‌های مبتنی بر اقتدار: برون‌سپاری، آرایش‌های حکمرانی مشارکتی: تأمین مشترک خدمات و آرایش‌های مبتنی بر بازار را تبیین کرد و حکمرانی مشارکتی را به عنوان یک رویکرد نهادی کلیدی نوظهور برای حل مسائل عمومی برشمرد.
فیش و همکاران (۲۰۱۰)	یکپارچه‌سازی مدیریت آب و کشاورزی: حکمرانی مشارکتی برای یک مسئله پیچیده خط مشی	با توجه به ضرورت مدیریت یکپارچه منابع آب و کشاورزی و ساختارهای پیچیده هرکدام از آن بخش‌ها، برای حکمرانی بر این ساختار یکپارچه، چارچوبی متشکل از چرخه حکمرانی مشارکتی شامل اجزای تعیین مسئله، تعیین مسیر، ساختاردهی و خروجی‌ها و نتایج در یک بستر زمینه‌ای طراحی شده است.
جانستون و همکاران (۲۰۱۱)	مدیریت فرایند ورود در حکمرانی مشارکتی	شرایط اقتضایی که مشارکت موفق را تسهیل یا مانع می‌شود، شناسایی کرده است: این شرایط شامل وضعیت زمینه‌ای مشارکت موفق است که به معنای یک ارزیابی تاریخچه روابط کاری پیشین است؛ توسعه مشوق‌ها برای ترغیب ذی‌نفعان برای مشارکت؛ مواظبت در درنظرگرفتن توزیع قدرت میان ذی‌نفعان؛ دسترسی و آمادگی رهبری تسهیل‌گر و طراحی حمایت‌های نهادی برای دخیل کردن همه ذی‌نفعان ضروری در یک فرایند باز و معتبر. همچنین این مدل ویژگی‌های اصلی پویایی مشارکت، شامل یک فرایند گفتمان که در آن ذی‌نفعان می‌توانند اعتمادسازی کنند، به فهم مشترکی از مسائلی که با آن‌ها روبه‌رو هستند برسند و ارزش‌هایی که راه‌حل‌ها ایجاد می‌کنند و مهم‌ترین موضوع، جایی که آن‌ها می‌توانند یک تعهد مشترک برای حفظ یکپارچگی فرایند ایجاد کنند، تعهدی که امید می‌رود به تصمیماتی که از طریق آن فرایند به دست می‌آید، منتقل شود.

پژوهشگران	عنوان پژوهش	نتایج
دوناهو و زکخوزر (۲۰۱۲)	حکمرانی مشارکتی: نقش‌های بخش خصوصی برای اهداف عمومی در عصر متلاطم	دلایل اصلی برای مشارکت را دست‌یابی به بهره‌وری، اطلاعات، مشروعیت و منابع معرفی کرده است.
نباتچی (۲۰۱۲)	بازگرداندن عموم به تحقیقات ارزش‌های‌عمومی: طراحی مشارکت برای شناسایی و پاسخ به ارزش‌ها	نظریه‌پردازی در مورد مشارکت مستقیم مردم برای شناسایی و درک ارزش‌های عمومی که منجر به تدوین هشت مؤلفه طراحی مشارکت ۱. سطح همکاری، ۲. حالت ارتباط، ۳. سطح اختیار تصمیم‌گیری مشترک، ۴. سازوکارهای مشارکت، ۵. ابزار اطلاعاتی، ۶. انتخاب مشارکت‌کنندگان، ۷. به‌کارگیری مشارکت‌کنندگان و ۸. بازگشت و تکرار و پیشنهاد نُه گزاره برای اثرگذاری هشت مؤلفه ارائه شد.
ماه و هیلس (۲۰۱۲)	حکمرانی مشارکتی برای توسعه پایدار: ارزیابی منابع باد در استان‌های سیکیانگ و گوانگدونگ چین	ظرفیت‌های حکمرانی مشارکتی در برنامه ارزیابی منابع باد برای تولید برق در دو استان چین ارزیابی و نتیجه گرفته شد که در کنار نقش محوری دولت مرکزی، فرصت‌های زیادی (دانش و رهبری محلی و شبکه‌های اجتماعی) برای مشارکت محلی به عنوان رویکردی تکمیلی برای تسهیل ارزیابی منابع بادی وجود دارد.
امرسون و همکاران (۲۰۱۲)	یک چارچوب یکپارچه برای حکمرانی مشارکتی	مدل تشخیصی برای حکمرانی مشارکتی شامل ابعاد و اجزای زیر ارائه شد: زمینه حکمرانی: شرایط منابع، چارچوب قانونی خط مشی، شکست‌های پیشین در پاسخ به مسئله، پویایی سیاسی / روابط قدرت، اتصال شبکه‌ها، سطوح تعارضات / اعتماد، تنوع و سلامت اجتماعی اقتصادی / فرهنگی؛ زمینه‌های اطلاعاتی، قانونی، مالی و ساختاری محرک‌ها: عدم قطعیت درک‌شده، وابستگی‌های متقابل، انگیزه‌های مشهود و برجسته و رهبری آغازکننده که به شروع حکمرانی مشارکتی کمک می‌کنند. مشارکت اصولی: کشف اشخاص، منافع و...، تعریف اهداف و مقاصد یکسان و وظایف و غیره، بحث و گفت‌وگو، تعیین دستور کارها، تخصیص وظایف و رویه‌ها و... انگیزه مشترک: اعتماد و درک متقابل، مشروعیت درونی و تعهد مشترک. ظرفیت برای اقدام جمعی: آرایش‌های نهادی / رویه‌ای، رهبری، دانش، منابع. اقدامات مشارکتی: بستگی به زمینه و توان دارد، اما ممکن است شامل موارد زیر باشد: حصول اطمینان از تأیید ذی‌نفعان، تصویب خط مشی، قانون یا مقررات، ارزیابی منابع، به‌کارگیری کارکنان، استقرار در مکان / اجازه فعالیت، ساختن / تصفیه کردن، تصویب شیوه مدیریت جدید، پایش و الزام به انطباق. تأثیرات: که بستگی به زمینه و توان دارد، اما هدف تغییر شرایط از قبل موجود یا پیش‌بینی‌شده در زمینه نظام است. اصلاح و تطبیق: تغییر در زمینه نظام، تغییر در رژیم حکمرانی شبکه‌ای و تغییر در پویایی‌های مشارکت.

پژوهشگران	عنوان پژوهش	نتایج
سورنسن و تورفینگ (۲۰۱۷)	فراحکمرانی ابداعات مشارکتی در شبکه‌های حکمرانی	حکمرانی مشارکتی به شبکه‌های همکاری نیاز دارد. یک شبکه حکمرانی ممکن است به عنوان یک نهادسازی افقی از تعاملات میان بازیگران با وابستگی متقابل، اما از لحاظ عملیاتی مستقل تعریف شود. بازیگرانی که برای تعریف و ایجاد ارزش‌های عمومی از طریق فرایندهای خودتنظیم، مشترکاً تلاش می‌کنند این شبکه‌ها با سه شاخص اثربخشی، کارایی و مشروعیت مردم‌سالارانه سنجیده می‌شوند.
بودین (۲۰۱۷)	حکمرانی مشارکتی محیط‌زیستی: دست‌یابی به اقدام جمعی در سیستم‌های اجتماعی زمین‌شناسی	چالش‌های مدیریت در محیط حکمرانی مشارکتی شامل: ۱. چگونه شبکه‌های مشارکتی که قادر به رسیدگی به مسائلی که شامل تعارضات منافع عمیقی دارند، ایجاد و حفظ می‌شود؟ ۲. چگونه می‌توان شکل‌گیری فرایندهای پیونددهنده اجتماعی را در بستر موضوع تسهیل کرد؟ ۳. چگونه می‌توان بهترین بازیگران را در فرایندهای مشارکتی دخیل کرد، درحالی‌که برخی از آن‌ها علاقه‌ای به مشارکت نداشته باشند؟ ۴. چگونه می‌توان نوعی شبکه‌های مشارکتی ایجاد کرد که در برابر تغییرات، منعطف و سازگارپذیر باشند، درحالی‌که برای تسهیل توسعه اعتماد متقابل و تعهد مشترک به اندازه کافی پایدار باشند؟
بالدوین و همکاران (۲۰۱۸)	منابع پراکنده و حکمرانی توزیع‌یافته: مشارکت ذی‌نفعان در حکمرانی مدیریت سمت تقاضا	بر اساس محرک‌هایی همچون تغییرات بزرگ در صنعت برق شامل تغییرات فناوری تولید برق، تنوع بازیگران، ملاحظات زیست‌محیطی و نهادهای تنظیم مقررات که ساختار حکمرانی را تشکیل می‌دهند، روش حکمرانی توزیع‌یافته در تنظیم مقررات بخش برق در بستر خط‌مشی‌ها و برنامه‌های مدیریت تقاضای برق در چند ایالت آمریکا ارزیابی و گزاره‌هایی زیر تدوین شد: ۱. ذی‌نفعان برای اثربخشی نیاز به اطلاعات دارند. ۲. از آنجا که مدیریت تقاضای برق در طرف مشتریان محقق می‌شود، تصمیم‌گیران نیاز به اطلاعات مشتریان دارند. ۳. مشارکت ذی‌نفعان زمانی افزایش می‌یابد که هزینه‌های مشارکت کاهش یابد. ۴. فرایندهای مشورتی قادر به کاهش مخالفت‌های سیاسی هستند، ولی مشورت به تنهایی نمی‌تواند شکاف‌های اساسی میان منافع ذی‌نفعان را پر کند. ۵. مشارکت عمومی در بخش‌هایی ضروری است، اما برای همه فرایندهای تصمیم‌گیری در مدیریت تقاضا به دلیل پیچیدگی‌های فنی و عدم شناخت تخصصی ذی‌نفعان مناسب نیست. ۶. گزاره شش: هر دو دسته اقدامات رسمی و غیررسمی برای پاسخ‌گویی بازیگران قدرتمند نسبت به اقدامات آن‌ها نسبت به منافع عمومی ضروری است.

پژوهشگران	عنوان پژوهش	نتایج
وارسن و همکاران (۲۰۲۰)	چگونه حرفه‌ای‌ها، حکمرانی همکاری‌های بخش عمومی خصوصی را درک می‌کنند؟ شواهدی از کانادا، هلند و دانمارک	ویژگی‌های حکمرانی مشارکتی را تحت عبارات زیر تبیین کرده است: مدیریت عملکرد از طریق تعاملات مشترک؛ تصمیم‌گیری عمومی و ارائه خدمات در شبکه‌هایی از بازیگران با وابستگی‌های چندجانبه؛ تأکید بر هماهنگی؛ تعریف و پیاده‌سازی اهداف عمومی از طریق یک فرایند تعامل و بحث، که در نتیجه قرار گرفتن در موقعیت‌های برد برد به دست می‌آید؛ پذیرش منافع متفاوت، تسهیم مخاطرات و تلاش جمعی؛ متمایز با مدیریت عمومی نوین (NPM)، تمرکز کمتری بر قراردادها قرار دارد و بیشتر بر حکمرانی رابطه‌ای و اعتماد متقابل تأکید دارد.
ملنیچوک و دی‌لو (۲۰۲۰)	ارزیابی مشروعیت در طول عمر حکمرانی مشارکتی آب	مراحل اجرایی یک نظام حکمرانی مشارکتی را در پنج گام تعریف کرده است که به اختصار شامل مراحل تشکیل، رشد، بلوغ، زوال و انحلال یا بازسازی می‌شود.

را مدیران و خبرگان صنعت برق کشور با تحصیلات عالی دانشگاهی و حرفه‌ای رشته‌های برق و انرژی و مدیریت، با متوسط سابقه کار ۲۲ سال در حوزه‌های کاری شرکت توانیر، شرکت برق منطقه‌ای، شرکت توزیع نیروی برق، شرکت مدیریت شبکه برق ایران، صنایع فولاد و سیمان و سیاست‌گذاری انرژی به تعداد نُه نفر تشکیل می‌داد که به صورت غیراحتمالی هدفمند انتخاب و پایان نمونه‌گیری پس از اشباع نظری تعیین شد.

بر اساس این تکنیک، انتخاب افراد نمونه تا جایی ادامه می‌یابد تا اینکه مصاحبه با افراد جدید اطلاعات جدیدتری را برای پژوهشگر فراهم نکند و تقریباً تکراری باشد. جامعه آماری در بخش کمّی برابر با همه کارکنان سمت عرضه برق شامل نهادهای بالادستی و شرکت‌های برق مجموعه وزارت نیرو و بخش‌های عمده مصرف برق در کشور شامل صنایع و همچنین نهادهای اثرگذار بر خط مشی‌های مصرف برق مانند مرکز پژوهش‌های مجلس، سازمان برنامه و بودجه و استانداری‌ها بوده که به دلیل نامحدود بودن جامعه آماری، حجم نمونه آماری برای جامعه نامحدود طبق جدول مورگان و کرجسی برابر با ۳۸۴ نفر بود که به دلیل ناقص بودن اطلاعات تعدادی از پرسش‌نامه‌ها، در کل ۳۶۷ پرسش‌نامه تجزیه و تحلیل شد.

ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی به صورت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد که برای دست‌یابی به صحت و اعتبار مطالعه، از روش مثلث‌سازی منابع داده استفاده شد. مثلث‌سازی به این مسئله اشاره دارد که یک مطلب از منابع مختلف و روش‌های مختلف بررسی شده است. بر این اساس، در این پژوهش از منابع مختلفی همچون اساتید حوزه مدیریت برای تأیید محتوای مصاحبه‌ها و بررسی ادبیات پژوهشی بهره گرفته شده است.

همچنین برای بررسی اعتماد و پایایی پژوهش از دو همکار پژوهشی برای بررسی دوباره مصاحبه‌ها استفاده شد. ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کمّی، پرسش‌نامه مستخرج از نتایج بخش کیفی بود که از روایی صوری و محتوایی آن به روش CVR، روایی سازه آن به روش تحلیل عاملی تأییدی و پایایی آن از طریق

جدول ۲. مضمون فراگیر، مضامین سازمان‌دهنده و پایه حکمرانی مشارکتی مدیریت تقاضای برق در ایران

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده سطح اول	مضامین سازمان‌دهنده سطح دوم	مضامین پایه
حکمرانی مشارکتی مدیریت تقاضای برق	زمینه سیستم	محیط قانونی و مقرراتی	قوانین و مقررات الزام‌آور، قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی
		فرهنگ سازمانی	ارزش‌ها و هنجارهای فعالیت مشارکت‌جویانه، یادگیری سازمانی و کار تیمی
		محیط اقتصادی	اقتصاد برق، متغیرهای اقتصادی کشور اثرگذار بر صنعت برق و انرژی
		محیط فرهنگی	اصول سنتی، اخلاقی و دینی مرتبط با مصرف و فرهنگ مصرف متناسب با رفاه مورد انتظار
		تعارض منافع	تضاد منافع کسب درآمد شرکت‌های برق و کاهش مصرف، تعارض منافع سمت عرضه و تقاضای برق
		محرک مشارکت	مصرف زیاد انرژی و اثرات آن بر محیط‌زیست، پتانسیل کاهش مصرف، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی خاموشی، چشم‌انداز و آرمان‌های مشترک، صرفه اقتصادی ذی‌نفعان از مشارکت در اقدامات مدیریت تقاضا، کار مشارکتی و محدودیت منابع
	عوامل مؤثر بر مشارکت	اعتماد	اعتماد میان اعضای مشارکت و اعتماد به صنعت برق
		آگاهی از ضرورت مدیریت تقاضا	آگاهی سمت تقاضای برق شامل گروه‌های مصرف، آگاهی سمت عرضه برق شامل وزارت نیرو، شرکت توانیر، شرکت‌های برق منطقه‌ای و توزیع نیروی برق، آگاهی مسئولین ملی و استانی اثرگذار، آگاهی نخبگان جامعه
		انگیزه	انجام مسئولیت اجتماعی ذی‌نفعان با مشارکت در اقدامات مدیریت تقاضا، تأمین برق اوج بار، کاهش نیاز به سرمایه‌گذاری در توسعه و احداث ظرفیت‌های برق، کسب منفعت سمت تقاضا، کسب و کار مدیریت تقاضا و اشتغال
		تأمین منابع	منابع مالی، منابع غیرمالی
		ظرفیت‌های اقدام مشترک	استفاده از ظرفیت خبرگان، افراد دارای مقبولیت اجتماعی، ترکیب تخصص‌های فنی، مدیریتی و اقتصادی، ظرفیت تأمین منابع، ظرفیت صدا و سیما و سایر رسانه‌های حقیقی و مجازی، ظرفیت کاهش مصرف بالاخص در بخش‌های خانگی و صنعتی، ظرفیت اثرگذاری کودکان و خانواده، ظرفیت نهادهای آموزشی، مذهبی، سیاسی، قضایی و اجتماعی، ظرفیت هماهنگی‌های درون صنعت برق، فناوری‌های جدید
	مشارکت	دخیل کردن ذی‌نفعان	نمایندگی بخش‌های عمده مصرف، نمایندگی متخصصان، نمایندگی نهادهای اثرگذار کلیدی
		آرایش نهادی	مشروعیت، استقلال عمل، اقتدار، تخصیص نقش، تعداد اعضا، رسمیت، کمیته ملی و کمیته‌های استانی مشارکت، برقراری ارتباط کارکردی کمیته‌های استانی با نهادهای برنامه‌ریزی توسعه و اداره استان
		فرایند مشارکت	تعیین هدف و نتایج، اشتراک اطلاعات، بحث و گفت‌وگو، بهبود مستمر، قدرت، درک تفاوت‌ها، روش تصمیم‌گیری، مدت زمان مشارکت، مستندسازی
		اصلاح و انطباق	ارزیابی عملکرد ، استفاده از نتایج ارزیابی در تصمیم‌گیری‌ها و تغییرات مورد نیاز

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده سطح اول	مضامین سازمان‌دهنده سطح دوم	مضامین پایه
حکمرانی مشارکتی مدیریت تقاضای برق	تسهیل‌گر مشارکت	رهبری	حفاظت از مشارکت، هدایت مشارکت و پاسخ‌گویی
		حمایت	حمایت نهادهای ملی و استانی و حمایت نهادهای صنعت برق
	دستاوردهای مشارکت	اقدامات مشارکتی	تدوین برنامه، اقدامات فنی (بهینه‌سازی مصرف، جابه‌جایی بار و خودتأمینی)، متناسب با اقلیم و بخش‌های مصرف، اقدامات مالی (تعرفه، جریمه، پاداش و تسهیلات)، الگوسازی، آموزش، ایجاد فضای رقابتی، تدوین مقررات، تولید و تبادل اطلاعات و نهادسازی برای اقدامات مدیریت تقاضا مانند شرکت‌های مدیریت انرژی محلی
		نتایج مشارکت	کاهش مصرف برق، نفع اقتصادی و هماهنگی میان دستگاه‌ها
		پیامد	کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از مصرف برق و حفظ منابع میان‌نسلی انرژی، نظام‌مندسازی گفتمان، ایجاد چارچوب تعیین راه‌حل در شرایط تعارض، قابلیت تعمیم در سایر حوزه‌های نیازمند اقدامات مشارکتی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

آزمون فیشر و آلفای کرونباخ تحلیل و تأیید شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات در بخش کیفی با استفاده از تکنیک مضمون یا تم و شناسایی شبکه مضامین و در بخش کمّی از معادلات ساختاری و به دلیل نرمال نبودن داده‌ها به روش حداقل مربعات جزئی و از طریق نرم‌افزار SmartPLS انجام گرفت؛ بنابراین نتایج منجر به شناسایی پنج بُعد در زمینه حکمرانی مشارکتی مدیریت تقاضای برق در ایران شد.

۳. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش از دو قسمت کیفی و کمّی تشکیل شده و در ادامه هرکدام از آن‌ها مورد تشریح قرار گرفته است.

الف) یافته‌های بخش کیفی

پس از بررسی ادبیات موضوع شامل مدل‌های عمومی و مبتنی بر زمینه‌های خاص حکمرانی مشارکتی به تدوین پروتکل مصاحبه شامل سؤالاتی با هدف توسعه مدل حکمرانی مشارکتی برای مدیریت تقاضای برق در ایران پرداخته شد. سپس با شناسایی خبرگان حکمرانی مدیریت تقاضا در سمت عرضه و تقاضای برق به انجام مصاحبه با خبرگانی که دعوت به مصاحبه را پذیرفتند، صورت گرفت و پس از رسیدن به اشباع نظری در مصاحبه‌ها، به مکتوب کردن فایل‌های صوتی ضبط‌شده از مصاحبه‌ها و استخراج جملات کلیدی از مستندات مصاحبه پرداخته شد. پس سه گام اصلی تحلیل شبکه مضامین شامل تجزیه متن، اکتشاف متن و سپس یکپارچه کردن اکتشاف‌ها است که به تفصیل در ادامه توضیح داده شده است:

۱. تحویل متن: در گام نخست، ابتدا مصاحبه‌های ضبط‌شده به صورت مکتوب درآمد، سپس با یادداشت‌های برداشته‌شده طی جلسات مصاحبه‌ها تکمیل شد. پس از آن با مطالعه دقیق متون، ابتدا برای هریک از مصاحبه‌های تهیه‌شده، همه ایده‌های مستقل در قالب مضامین پایه شناسایی شده و به هرکدام یک کد اختصاص داده شد.

این کار برای هرکدام از مصاحبه‌ها انجام‌شده و در صورت وجود بخش‌هایی با مضامین مشابه در متن مصاحبه‌های قبلی، از همان کدهای پیشین به عنوان نشانگر آن‌ها استفاده شده است. در این پژوهش ۷۴۹ جمله از مصاحبه‌ها شناسایی شد که با حذف کدهای مشترک در ۸۳ مضمون پایه دسته‌بندی شد.

۲. تبدیل مضامین: پس از دست یافتن به مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر با توجه به مضامین پایه انتزاع شدند. در این مرحله تلاش شده است با سازمان‌دهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه به مضامین انتزاعی‌تری دست یابیم که ما را به مضمون‌های اصلی‌تر، فراگیرتر و مرکزی‌تر رهنمون سازد. در این مرحله بیست مضمون سازمان‌دهنده استخراج شده است.

۳. کشف و توصیف شبکه مضامین: با بررسی و تحلیل مضامین مرتبط پنج مضمون فراگیر شامل؛ الف) زمینه سیستم، ب) عوامل مؤثر بر مشارکت، ج) مشارکت، د) تسهیل‌گر مشارکت و) دستاوردهای مشارکت، استخراج شده که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود.

در جدول شماره ۲، مضمون فراگیر، مضامین سازمان‌دهنده سطح اول و مضامین سازمان‌دهنده سطح دوم نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود مضامین سازمان‌دهنده سطح اول شامل پنج بُعد شامل زمینه سیستم، عوامل مؤثر بر مشارکت، مشارکت، تسهیل‌گر مشارکت و دستاوردهای مشارکت است که در مجموع از بیست سازمان‌دهنده سطح دوم تشکیل شده است.

ب) یافته‌های بخش کمّی

بعد از اینکه نتایج بخش کیفی به دست آمد و مدل تدوین شده مورد تأیید استادان قرار گرفت، نوبت به استخراج پرسش‌نامه رسید و پس از استخراج پرسش‌نامه و تأیید روایی و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ و آزمون فیشر، به تخمین مدل ساختاری پژوهش اقدام شد و برای اینکه مشخص شود از کدام روش و چه نرم‌افزاری استفاده شود به بررسی نرمال بودن داده‌ها پرداخته شد. پس با توجه به نرمال نبودن داده‌ها از نرم‌افزار SmartPLS که به عنوان نرم‌افزار حداقل مربعات جزئی شناخته می‌شود، استفاده شده است که در این صورت غیرنرمال بودن توزیع داده‌ها باعث افزایش خطا در تخمین و برآورد داده‌ها نمی‌شود.

ضرایب استاندارد متغیرها در تصویر شماره ۱ و مقادیر t مدل نیز در تصویر شماره ۲ نشان داده شده است. با توجه به مقدار بارهای عاملی و مقادیر t می‌توان بیان کرد که اعتبار تمام سؤال‌های پرسش‌نامه تأیید می‌شود و هیچ‌گونه سؤال یا گویه‌ای از شاخص‌ها حذف نمی‌شود. به این دلیل که مقدار t تمام گویه‌ها بیشتر از ۱/۹۶ قرار دارد.

۳-۱. شاخص‌های برازش مدل

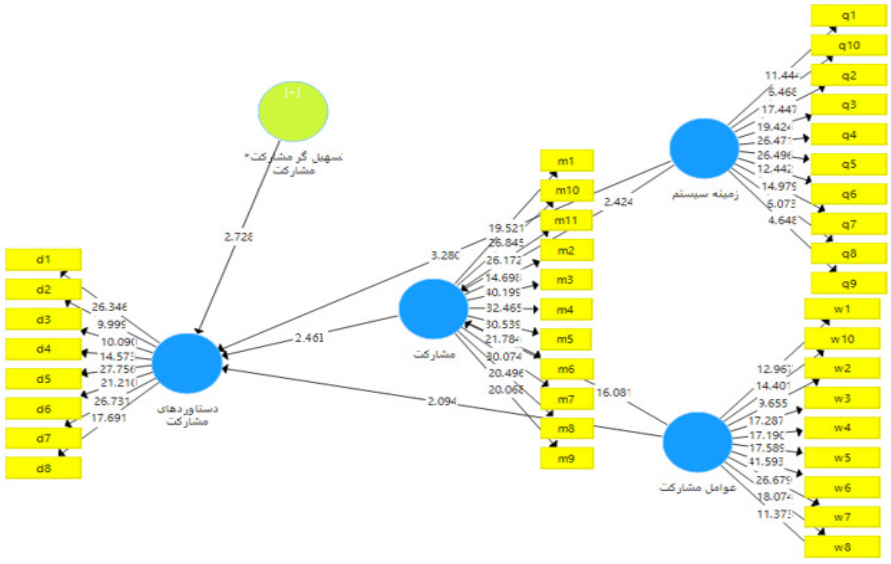
در تکنیک حداقل مجذورات جزئی به طور معمول از شاخص ضریب تعیین R^2 و آماره GOF برای سنجش برازش مدل استفاده می‌شود.

ضریب تعیین R^2

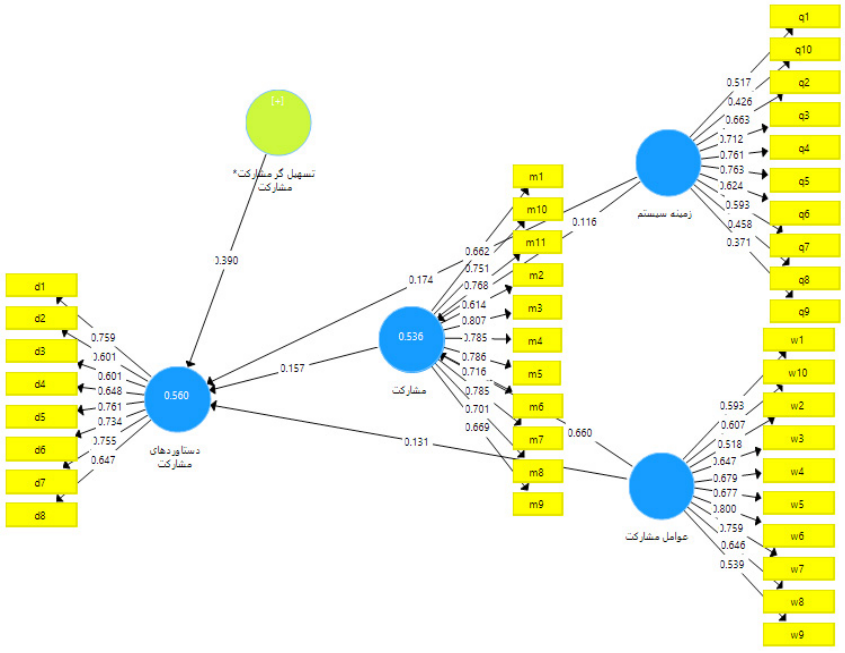
با توجه به اطلاعات جدول شماره ۳، می‌توان گفت که ضرایب تعیین متغیرهای پژوهش در سطح متوسط قرار دارند.

۳-۱-۱. شاخص نیکویی برازش GOF

مهم‌ترین شاخص برازش مدل در تکنیک حداقل مجذورات جزئی، شاخص GOF است. در پژوهش‌های گذشته، سه مقدار ۰/۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان



تصویر ۱. مدل ساختاری در حالت معناداری (t-value)



تصویر ۲. مدل ساختاری در حالت ضرایب استاندارد (تحلیل مسیر)

جدول ۳. برازش کلی مدل

متغیرها	ضرایب تعیین R^2	مقادیر اشتراکی
تسهیل‌گر مشارکت	۰/۶۵۷	۰/۵۴۶
دستاوردهای مشارکت	۰/۵۷۲	۰/۳۲۹
عوامل مشارکت	۰/۳۲۵	۰/۲۹۴
مشارکت	۰/۵۳۰	۰/۴۵۰
زمینه سیستم	—	۰/۲۳۰
میانگین	۰/۵۲۱	۰/۳۶۹
GOF	۰/۴۳۸	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی کرده‌اند. این شاخص با استفاده از میانگین هندسی شاخص R^2 و میانگین شاخص‌های افزونگی قابل محاسبه است (هایر و همکاران، ۲۰۱۷).

همان‌طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه شد، میزان معیار نیکویی برازش برابر با ۰/۴۳۸ به دست آمده و نشان از برازش مطلوب و قوی مدل دارد. در ادامه به نتایج فرضیه‌های پژوهشی که از مدل ساختاری به‌دست‌آمده، پرداخته شده است. جدول شماره ۴ به تحلیل فرضیه‌های پژوهشی بر اساس اطلاعات مستخرج از تصاویر شماره ۱ و ۲ پرداخته است و ملاحظه می‌شود همه آن‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر متغیرهای وابسته دارند. در جدول شماره ۵ نیز به بررسی اثر متغیرهای میانجی از طریق آزمون سوبل پرداخته شده و همان‌طور که ملاحظه می‌شود همه فرضیه‌های موردنظر در این زمینه مورد تأیید قرار گرفته است.

٤. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به ضرورت مشارکت ذی‌نفعان کلیدی اثرگذار بر مصرف برق برای راه‌حل‌های سمت تقاضای برقراری تعادل میان عرضه و تقاضای برق به عنوان یکی از اصلی‌ترین نیازمندی‌های توسعه، امنیت و کیفیت زندگی مردم و با توجه به قرارگیری مقوله حکمرانی در مرکز خط مشی‌های عمومی، به طراحی و تدوین مدلی برای حکمرانی مشارکتی مدیریت تقاضای برق در ایران پرداخته شد. به همین منظور با استفاده از رویکرد ترکیبی کیفی و کمّی به توسعه مدل و تأیید شاخص‌های حکمرانی مشارکتی برای مدیریت تقاضای برق در ایران اقدام شد که در ادامه بحث و بررسی می‌شود.

٤-١. زمینه سیستم

یکی از ابعاد شناسایی‌شده برای حکمرانی مشارکتی مدیریت تقاضای برق در ایران، زمینه سیستم است. درواقع، حکمرانی در هر موضوعی،

جدول ۴. نتیجه آزمون فرضیه‌های منتج از مدل ساختاری

فرضیه‌ها	مقدار آماره t	میزان تأثیر (β)	سطح معناداری (Sig.)	نتیجه
زمینه سیستم بر مشارکت تأثیر دارد	۲/۵۵۴	۰/۱۱۶	۰/۰۱۱	P≤۰/۰۵ تأیید فرضیه
عوامل مشارکت بر مشارکت تأثیر دارد	۱۷/۱۶۹	۰/۶۶۰	۰/۰۰۰	P≤۰/۰۵ تأیید فرضیه
زمینه سیستم بر دستاوردهای مشارکت تأثیر دارد	۳/۱۱۵	۰/۱۷۴	۰/۰۰۲	P≤۰/۰۵ تأیید فرضیه
عوامل مشارکت بر دستاوردهای مشارکت تأثیر دارد	۲/۰۴۴	۰/۱۳۱	۰/۰۴۱	P≤۰/۰۵ تأیید فرضیه
مشارکت بر دستاوردهای مشارکت تأثیر دارد	۲/۴۶۱	۰/۱۵۷	۰/۰۱۶	P≤۰/۰۵ تأیید فرضیه
تسهیل‌گر مشارکت، رابطه بین مشارکت و دستاوردهای مشارکت را تعدیل می‌کند	۲/۸۷۳	۰/۳۹۰	۰/۰۰۴	P≤۰/۰۵ تأیید فرضیه

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تحت تأثیر زمینه‌هایی قرار دارد که موضوع در آن تعریف می‌شود و از آن زمینه‌ها اثر می‌پذیرد. این عوامل زمینه‌ای، بر شیوه حکمرانی و دستاوردهای آن اثر می‌گذارند. نتایج این بخش از پژوهش را می‌توان با نتایج و یافته‌های پژوهش‌های فیش و همکاران، امرسون و نباتچی، بودین و بالدوین و همکاران همسو و منطبق دانست.

نسبت به چارچوب و مدل‌های مرجع ارائه‌شده توسط امرسون و نباتچی و آنسل و گاش، مدل توسعه داده‌شده در این بُعد، بر فرهنگ سازمانی نهادهای کشور، بالاخص فعالیت‌های مشارکت‌جویانه و کار تیمی و همچنین بر اثرگذاری آموزه‌های سنتی و مذهبی به عنوان عوامل کلیدی تأکید می‌کند.

٤-٢. عوامل مؤثر بر مشارکت

به دلیل اثرگذاری ذی‌نفعان بر اجرای اقدامات مدیریت تقاضای برق، مشارکت ذی‌نفعان برای تصمیم‌گیری‌های این حوزه ضروری است. به همین دلیل باید زمینه‌هایی برای آغاز، شکل‌گیری و تداوم یک ساختار مشارکتی برای حکمرانی مدیریت تقاضا وجود داشته باشد.

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش را می‌توان با نتایج پژوهش‌های زادک و همکاران، گودین و همکاران، آنسل و گاش، جونگ و همکاران، ماه و هیلس، امرسون و همکاران و بالدوین و همکاران همسو و منطبق دانست. بر اساس این شاخص و گویه‌های استخراج‌شده می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت تقاضای برق در جلوگیری از خاموشی، جلوگیری از سرمایه‌گذاری انبوه توسعه نیروگاه و شبکه، کاهش آلودگی محیط‌زیست، مواجهه با شرایط محدودیت حامل‌های اولیه انرژی و کمبود آن در سال‌های آتی، تولید ثروت به دلایلی همچون امکان صادرات بیشتر برق و تأمین برق بخش‌های مولد کشور از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و توسعه مدیریت تقاضا در کشور را گریزناپذیر می‌کند.

همچنین آگاهی مصرف‌کنندگان برق، نهادهای ملی

جدول ۵. نتیجه آزمون فرضیه‌های منتج از مدل ساختاری برای متغیرهای میانجی

فرضیه‌ها	مقدار آماره سوبل	میزان تأثیر (β)		سطح معناداری (Sig.)	نتیجه
		مستقیم	غیرمستقیم		
زمینه سیستم از طریق متغیر میانجی مشارکت بر دستاوردهای مشارکت تأثیر دارد	۱/۹۷۵	۰/۱۷۴	۰/۰۲۰	۰/۰۴۸	P≤۰/۰۵ تأیید فرضیه
عوامل مشارکت از طریق متغیر میانجی مشارکت بر دستاوردهای مشارکت تأثیر دارد	۲/۰۲۹	۰/۱۳۱	۰/۰۸۶	۰/۰۴۲	P≤۰/۰۵ تأیید فرضیه

مأخذ: یافته‌های تحقیق

و استانی اثرگذار و آحاد مردم از مسائل حوزه انرژی شامل جنبه‌های فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی، بر اثربخشی و کارایی اقدامات مدیریت تقاضا می‌افزاید. سرمایه اجتماعی صنعت برق و ایفای نقش افراد با مقبولیت بالا در جامعه برای تبیین ضرورت مدیریت تقاضا مورد نیاز است.

علاوه بر این، آموزش فرهنگ مصرف صحیح و راهکارهای مدیریت تقاضا بالاخص در سطح مدارس و با ابزارهای نوینی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات و همچنین فعالیت‌های هنری حائز اهمیت است. آموزه‌های سنتی و دینی در ایران نقش مهمی در پذیرش موضوع ایفا می‌کنند. در مقایسه با مدل‌های مرجع، مدل توسعه‌داده‌شده، تأثیرات زیست‌محیطی و کسب منافع اقتصادی را برای مشارکت در مدیریت تقاضای برق برای هر دو سمت عرضه و تقاضای برق برجسته می‌کند.

٤-٣. مشارکت

حکمرانی مشارکتی نیاز به ظرفیت‌ها، ساختارها و سازوکارهایی برای انجام وظایف حکمرانی دارد. نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش را می‌توان با یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های زادک و همکاران، گودین و همکاران، آنسل و گاش، جونگ و همکاران، ماه و هیلس، امرسون و همکاران و بالدوین و همکاران همسو و منطبق دانست.

بر اساس این شاخص و گویه‌های استخراج‌شده می‌توان نتیجه گرفت که به دلیل اثرگذاری مستقیم سمت تقاضا و همچنین نهادهای اثرگذار ملی و استانی بر اقدامات مدیریت تقاضای برق، دخیل‌شدن این ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌های مدیریت تقاضا ضرورت دارد و مدیریت مؤثر تقاضا بدون مشارکت ذی‌نفعان امکان‌پذیر نیست.

همچنین ساختار کمیته‌ای در سطح ملی و زیرکمیته‌های استانی مدیریت تقاضا با عضویت ذی‌نفعان عمده سمت عرضه، تقاضا و نهادهای اثرگذار برای حکمرانی مدیریت تقاضا پیشنهاد می‌شود. این کمیته نیازمند حمایت از طرف نهادهای دارای قدرت ملی و استانی است. استفاده از ظرفیت‌های تخصصی در جنبه‌های مختلف فنی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و ارائه نتایج در کمیته اهمیت دارد. فعالیت‌های کمیته ملی مستمر و تصمیمات آن به مسئولین عالی وزارت نیرو ارائه می‌شود.

همچنین به منظور امکان اجرای اقدامات و تحقق اهداف، ارتباط کارکردی کمیته‌های استانی مدیریت

تقاضا با نهادهای برنامه‌ریزی توسعه و اداره استان باید برقرار شود. تعهد وزارت نیرو و نهاهای پرقدرت استانی، به‌ویژه استانداری‌ها به پیگیری نظرات و مصوبات کمیته مدیریت تقاضا شرط لازم موفقیت مشارکت است.

پیشنهاد می‌شود نقش این کمیته‌ها در شروع فعالیت، مشورتی باشد و با طی یک فرایند بلوغ، نقشی درون ساختار یک تنظیم‌گر مقررات ملی و استانی ایفا کند. نسبت به مدل‌های مرجع که فارغ از بستر تدوین شده‌اند، مدل توسعه‌یافته و کاربردی‌شده، بر آرایش نهادی کمیته‌های ملی و استانی مدیریت تقاضا با نقش‌های ذکرشده تأکید می‌کند و نسبت به مدل‌های رایج، به دلیل لزوم اصلاح و تغییر در فرایند حکمرانی، مؤلفه اصلاح و انطباق را در فرایند مشارکت تعریف کرده است.

٤-٤. تسهیل‌گر مشارکت

ظرفیت‌ها، ساختارها و سازوکارهای مشارکت در صورت حضور رهبری تسهیل‌گر و برخورداری از حمایت‌های نهادی لازم، سریع‌تر و بهتر به اقدامات مشارکتی منجر شده و احتمال دست‌یابی به نتایج و پیامدهای مورد نظر را افزایش می‌دهد. تسهیل‌گر مشارکت از شاخص‌ها و گویه‌های رهبری تسهیل‌گر (حفاظت از مشارکت، هدایت مشارکت و پاسخ‌گویی) و حمایت (حمایت نهادهای ملی و استانی و حمایت نهادهای صنعت برق از مشارکت) تشکیل شده است.

نتایج به‌دست‌آمده از این شاخص را می‌توان با یافته‌های آنسل و گاش، جانستون و همکاران، ماه و هیلس و امرسون و همکاران همسو و منطبق دانست. نسبت به مدل‌های مرجع، تسهیل‌گر مشارکت یک بُعد جدید است که به صورت یک متغیر تعدیل‌گر رابطه میان مشارکت و دستاوردها را تقویت می‌کند.

٤-٥. دستاوردهای مشارکت

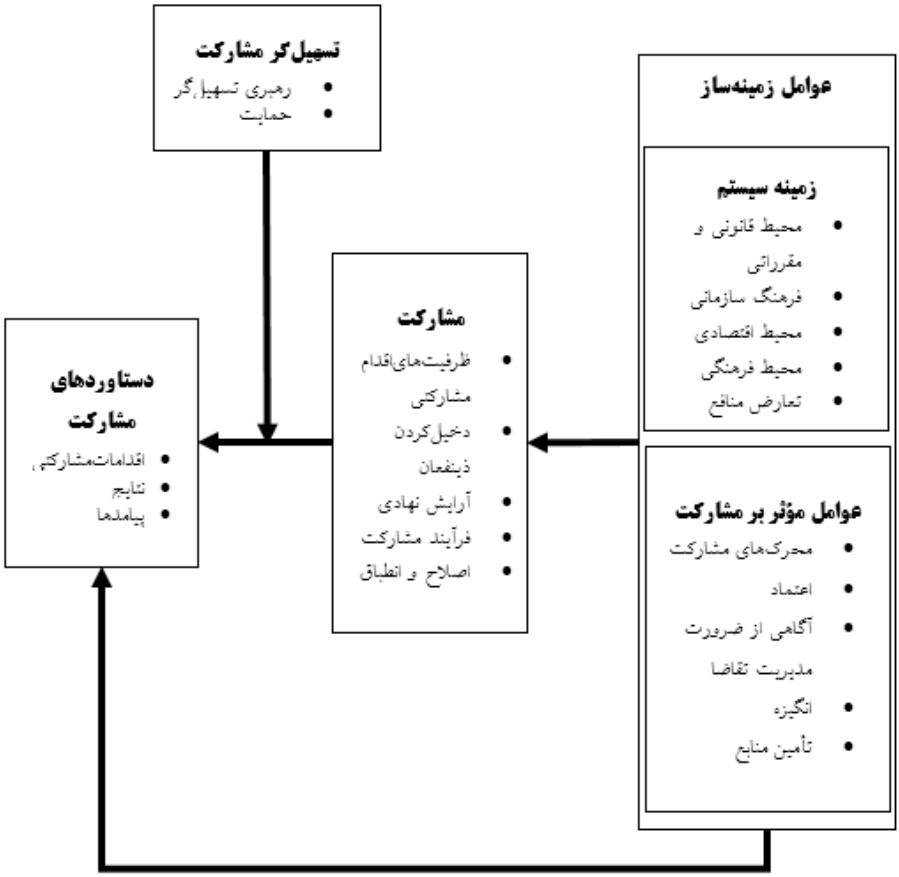
دستاورد اولیه مورد انتظار از حکمرانی مشارکتی، اقداماتی هستند که با مشارکت بازیگران مختلف، برای تحقق یک هدف مشترک و مورد تفاهم انجام می‌پذیرند. این اقدامات منجر به نتایجی می‌شود که در دو بُعد فواید فنی اقتصادی مدیریت تقاضا و همچنین هماهنگی‌های میان‌نهادی نمود دارد.

در صورت موفق بودن عملکرد مشارکت، امیدواریم که در میان‌مدت و بلندمدت، الگوی حکمرانی مشارکتی مدیریت تقاضای برق در کشور، به مدلی قابل تعمیم به سایر حوزه‌ها و موضوعاتی تبدیل شود که نمی‌توان آن را با الگوهای فرمان‌دهی بالا به پایین حل کرد و نیازمند مشارکت فعال ذی‌نفعان امر دارد.

یافته‌های به‌دست‌آمده از این شاخص را می‌توان با یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های مک‌گیر، اُوفلین و همکاران، آنسل و گاش، فیش و همکاران، جانستون و همکاران، وارسن و همکاران و زادک و همکاران همسو و منطبق است.

بر اساس این شاخص و گویه‌های استخراج‌شده می‌توان نتیجه گرفت که باور به مدیریت تقاضای برق در سمت عرضه برق و الگو بودن وزارت نیرو و شرکت‌های زیرمجموعه در مصرف صحیح انرژی ضرورت دارد. همچنین راه‌حل‌های مورد نظر برای مدیریت تقاضا باید بر اساس پویایی‌های مسئله مانند تقارن قدرت، دانش و اطلاعات، تاریخچه تعارض و همکاری، عوامل اقتصادی، فرهنگ سازمانی، فرهنگ عمومی و شرایط اقلیمی متفاوت در کشور بررسی شود. ترکیبی از اقدامات الزامی و اقناعی برای مدیریت تقاضا مورد نیاز است.

نسبت به مدل‌های بررسی‌شده، مدل توسعه یافته و



تصویر ۳. مدل تدوین‌شده برای حکمرانی مشارکتی مدیریت تقاضای برق

کاربردی‌شده، نقش اقدامات مبتنی بر تعرفه و اقدامات مبتنی بر ویژگی‌های اقلیمی مدیریت تقاضای برق را برجسته ساخته و شکل‌گیری شرکت‌های خدمات انرژی را به عنوان راهکاری نهادی برای انسجام و پایداری اجرای خط مشی‌های مدیریت تقاضا حائز اهمیت می‌داند.

ایجاد یک چارچوب تعیین راه‌حل در شرایط تعارض از طریق گذار رویکرد دستوری و بالا به پایین کنونی مدیریت تقاضا به حکمرانی مشارکتی، از اصلی‌ترین دستاوردهای طراحی این مدل قلمداد می‌شود.

٤-٦. پیشنهادها

یافته‌های این پژوهش مدلی برای تشکیل یک سازوکار مشارکتی با حضور ذی‌نفعان عمده برای مسئله مصرف غیربهینه برق ارائه کرده است. مدل تدوین‌شده برای حکمرانی مشارکتی مدیریت تقاضای

برق در تصویر شماره ۳ نشان داده شده است و مدل پیشنهادی این پژوهش برای استفاده‌کنندگان و بهره‌برداران آن، ازجمله وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه است.

- طبق یافته‌های پژوهش، عوامل زمینه‌ساز (زمینه سیستم و عوامل مؤثر بر مشارکت) بر مشارکت تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود زمینه‌های لازم، ازجمله تصویب مقررات مناسب در راستای مصرف بهینه با توجه به بخش‌های مختلف مصرف و اقلیم، فرهنگ‌سازی با به‌کارگیری ظرفیت‌های صدا و سیما و سایر رسانه‌های حقیقی و مجازی، همچنین ایجاد محرک‌های مشارکت از جمله تشویق مردم در کاهش مصرف برق با کاهش هزینه‌های مشترکین کم‌مصرف و ابزار تعرفه پلکانی برای بازدارندگی مشترکین پرمصرف، آگاه‌سازی مصرف‌کنندگان از آثار مشارکت آن‌ها در کاهش مصرف، تأمین منابع مورد نیاز اقدامات مدیریت تقاضا توسط ذی‌نفعان در راستای جلب مشارکت مصرف‌کنندگان اقدام شود.

- همچنین نتایج نشان داد، عوامل زمینه‌ساز (زمینه سیستم و عوامل مؤثر بر مشارکت) بر دستاوردهای مشارکت تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود برای اینکه دستاوردهای مشارکت روند افزایشی داشته باشد، نسبت به تخصیص منابع غیرمالی مانند تخصیص وقت و مشارکت نیروی انسانی توسط نهادهای اثرگذار در ساختار مشارکتی مربوطه اقدام شود؛ اقدامات اعتمادساز نسبت به صنعت برق و بازیابی سرمایه اجتماعی این صنعت نزد افکار عمومی صورت گیرد و نسبت به اصلاح تفکر برخورداری از منابع انرژی بی‌پایان در کشور از طریق آگاه‌سازی بالاخص در جامعه هدف کودک و نوجوان اقدام کرد.

از طرفی، نتایج نشان داد که تسهیل‌گر مشارکت، رابطه بین مشارکت و دستاوردهای مشارکت را تعدیل می‌کند. به عبارتی، تسهیل‌گر مشارکت می‌تواند به صورت غیرمستقیم به افزایش دستاوردهای مشارکت کمک کند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود با شناسایی ظرفیت‌های رهبری در نهادهای صنعت برق که به دلیل تجدید ساختار صورت‌پذیرفته در این صنعت، دچار توزیع قدرت شده‌اند و اعطای نقش رهبری به آن، شکل‌گیری، آغاز و استمرار فعالیت سازوکار مشارکتی را تسهیل کرد و سایر نهادهای حاکمیتی کشور، بالاخص نهادهای استانی، با پذیرش تصمیمات این سازوکار و دخیل کردن آن در برنامه‌ریزی‌های مربوطه، از آن حمایت کنند.

اقدامات مدیریت تقاضا در صورتی موفق و اثرگذارتر خواهد بود که شامل ترکیبی از اقدامات فنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد و به روش‌های مبتنی بر تعرفه و همچنین رقابت‌محور مجهز باشد و با برانگیختن احساس ایفای نقش مسئولیت اجتماعی ذی‌نفعان، اهداف تعریف‌شده و درک‌شده مشترک در سازوکار مشارکتی را تعقیب کنند. برای ایجاد فضای رقابتی، تأسیس بازارهای ملی و محلی مدیریت تقاضا که در برخی از مراجع به بازار خاموشی نیز معروف است، کمک می‌کند تا بخش‌های مختلف مصرف، کاهش یا عدم نیاز به برق در زمان‌های مختلف و بر اساس مصالح خود را با نرخی در رقابت با سایرین عرضه کنند.

همچنین با توجه میزان بلوغ بخش‌های مصرف نسبت به قوانین و مقررات و اقدامات فنی اقتصادی مدیریت تقاضا، شکل‌گیری شرکت‌های غیردولتی و محلی ارائه‌دهنده خدمات انرژی که بتواند اقدامات پراکنده مصرف‌کنندگان را تجمیع کند و با راه‌حل‌های یکپارچه عرضه و مدیریت تقاضا، در تعامل

با شرکت‌های برق، خدمات انرژی را ارائه کند، راهگشا خواهد بود.

اعتماد به صنعت برق و بررسی مسائل برق از جنبه‌های مختلف که محدود به الزامات فنی نباشد، ازجمله عوامل کلیدی شکل‌گیری گفتمان رو در رو و از عوامل اصلی محرک برای حکمرانی مشارکتی است. تجربه حاصل‌شده در سایر کشورها که در ایران نیز مقدمات آن در حال شکل‌گیری است، تأسیس یک نهاد تنظیم‌گر مقررات مستقل برای خدمات عمومی برق است که در آن نمایندگان ذی‌نفعان عمده برق حاضر خواهند بود.

بازتعریف فعالیت‌های این نهاد در شرف تأسیس با توجه به الزامات مدیریت تقاضای برق و ایجاد شعبات استانی این نهاد، کمک شایان توجهی به جلب اعتماد ذی‌نفعان به صنعت برق و اثربخشی تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات برخاسته از این نهاد متکثر، مستقل و مشروع قانونی خواهد کرد.

با توجه به وفاق شناسایی‌شده در این تحقیق بر ضرورت اقدامات مشارکتی برای حل مسئله، علاوه بر لزوم پیاده‌سازی و استقرار این ساختار مشارکتی برای مدیریت تقاضای برق در ایران، تعمیم این مدل به موضوع بزرگ‌تر مصرف بی‌رویه انرژی در کشور پیشنهاد می‌شود.

همچنین می‌توان پس از ارزیابی‌های اولیه و سنجش میزان موفقیت مشارکت، مدل را در خصوص سایر مسائل عمومی کشور که به طور حتم نیازمند هماهنگی، همکاری و مشارکت سازمان‌ها و بخش‌های مختلف است، برای ساختارهای جدید چندسطحی و میان‌مرزی نهادهای رسمی و حتی مشارکت نهادهای غیررسمی متناسب‌سازی کرد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در این پژوهش اصول اخلاقی از جمله عدم درج اطلاعات پژوهشگران در پژوهش، جلب رضایت پژوهشگران و برخورداری از اختیار در خروج از پژوهش رعایت شده است.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی نداشته است و از رساله مقطع دکتری احسان ذبیح‌زاده در گروه مدیریت دولتی دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی استخراج شده است.

مشارکت نویسندگان

مفهوم‌سازی پژوهش، نگارش، ویراستاری: احسان ذبیح‌زاده و سعید صیاد شیرکش؛ روش‌شناسی، اعتبارسنجی و تحلیل داده: فریده حق‌شناس کاشانی.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع فارسی

تارمحمدی، ز.، عبداله‌زاده، غ. ح.، شریف‌زاده، م.، و قزل، ع. (۱۳۹۹). بررسی امکان‌پذیری حکمروایی خوب در فرایند مدیریت مشارکتی آب در شهرستان آق‌قلا. *پژوهش آب در کشاورزی*، ۳۴ (۲)، ۳۰۰-۲۸۷.

زندرضوی، س. ب.، خانیکی، ه.، نصرالهی، ا.، و بوستانی، د. (۱۳۹۷). درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب بررسی کیفی ادراک ارتباطی ذی‌نفعان آب‌های زیرزمینی دشت رفسنجان. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۲ (۴)، ۶۶-۴۴.

محمدی، ن.، و دانایی‌فرد، ح. (۱۳۹۸). الگوی حکمرانی مشارکتی توسعه انرژی تجدیدپذیر ایران: رویکرد نهادی. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۹ (۳۰)، ۱۳۳-۵۵.

References

Ansell, C., & Gash, A. (2008). Collaborative governance in theory and practice. *Journal of Public Administration Research and Theory*, *18*(4), 543-571. [DOI:10.1093/jopart/mum032]

Baldwin, E., Rountree, V., & Jock, J. (2018). Distributed resources and distributed governance: Stakeholder participation in demand side management governance. *Energy Research & Social Science*, *39*, 37-45. [DOI:10.1016/j.erss.2017.10.013]

Bodin, Ö. (2017). Collaborative environmental governance: Achieving collective action in social-ecological systems. *Science (New York, N.Y.), 357*(6352), eaan1114. [DOI:10.1126/science.aan1114] [PMID]

Donahue, J. D., & Zeckhauser, R. J. (2012). *Collaborative governance: Private roles for public goals in turbulent times*. New Jersey: Princeton University Press. [DOI:10.1515/9781400838103]

Emerson, K., Nabatchi, T., & Balogh, S. (2012). An integrative framework for collaborative governance. *Journal of Public Administration Research and Theory, 22*(1), 1-29. [DOI:10.1093/jopart/mur011]

Fish, R. D., Ioris, A. A., & Watson, N. M. (2010). Integrating water and agricultural management: Collaborative governance for a complex policy problem. *The Science of The Total Environment, 408*(23), 5623-5630. [DOI:10.1016/j.scitotenv.2009.10.010] [PMID]

Goodin, R. E., Rein, M., & Moran, M. (2008). *The Oxford handbook of public policy.* Oxford: OUP Oxford. https://www.google.com/books/edition/The_Oxford_Handbook_of_Public_Policy/MyccCgBfKaMC?hl=en&gbpv=0

Emerson, K., Nabatchi, T. (2015). Stepping back, stepping Up, and stepping Forward: Summary observations and recommendations. In K. Emerson,& T. Nabatchi (Eds.), *Collaborative governance regimes* (pp. 207-229). Washington: Georgetown University Press. https://www.google.com/books/edition/Collaborative_Governance_Regimes/3E1gCwAAQBAJ?hl=en&gbpv=0

Gray, A., & Harrison, S. (1999). An exploration of collaborative government. *Public Policy and Administration, 14* (2), 1-2. [DOI:10.1177/095207679901400201]

Halpin, D. R., & Fraussen, B. (2017). Laying the groundwork: Linking internal agenda-setting processes of interest groups to their role in policy making. *Administration & Society, 51*(8), 1337-1359. [DOI:10.1177/0095399717728094]

Hartley, J., Alford, J., Hughes, O., & Yates, S. (2015). Public value and political astuteness in the work of public managers: The art of the possible. *Public Administration 93*(1), 195-211. [DOI:10.1111/padm.12125]

Howlett, M. (2014). From the 'old' to the 'new' policy design: Design thinking beyond markets and collaborative governance. *Policy Sciences, 47*(3), 187-207. [DOI:10.1007/s11077-014-9199-0]

Hu, H. (2015). The Collaborative Governance of the Government: Connotation, Pattern and Value Consideration. J. Tangshan Norm. *Univ*. 2015, 37, 138-41.

Imperial, M. T. (2005). Using collaboration as a governance strategy: Lessons from six watershed management programs. *Administration & Society, 37*(3), 281-320. [DOI:10.1177/0095399705276111]

Jänicke, M., Schreurs, M., & Töpfer, K. (2015). *The potential of multi-level global climate governance*. Paper presented at Institute for Advanced Sustainability Studies, Potsdam, Germany, September 2015. https://www.iass-potsdam.de/sites/default/files/files/potential_of_multi_level_governance.pdf

Johnston, E. W., Hicks, D., Nan, N., & Auer, J. C. (2011). Managing the inclusion process in collaborative governance. *Journal of Public Administration Research and Theory, 21*(4), 699-721. [DOI:10.1093/jopart/muq045]

Jung, Y. D., Mazmanian, D., & Tang, S. Y. (2009). Collaborative governance in the United States and Korea: Cases in negotiated policymaking and service delivery. *International Review of Public Administration, 13*(sup1), 1-11. [DOI:10.1080/12294659.2009.10805136]

Kekez, A., Howlett, M., & Ramesh, M. (2019). Collaboration in Public Delivery: What, when and how. In A. Kekez, M. Howlett, & M. Ramesh (Eds), *Collaboration and public service delivery: Promise and pitfalls (pp*. 2-19). Cheltenham: Edward Elgar Publishing. [DOI:10.4337/9781788978583]

Kushler, M., York, D., & Witte, P. (2006). *Aligning utility interests with energy efficiency objectives: A review of recent efforts at decoupling and performance incentives.* Washington: American Council for an Energy Efficiency Economy. https://www.ceaa.gc.ca/050/documents/48651/48651E.pdf

Lahat, L., & Sher-Hadar, N. A. (2020). A threefold perspective: Conditions for collaborative governance. *Journal of Management and Governance, 24*(1), 117-134. [DOI:10.1007/s10997-019-09465-1]

Liu, Z., Ma, L., Huang, T., & Tang, H. (2020). Collaborative governance for responsible innovation in the context of sharing economy: Studies on the shared bicycle sector in China. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity, 6*(2), 35. [DOI:10.3390/joitmc6020035]

Ma, L.; Liu, Z.; Huang, X.; & Li, T. (2019). The impact of local government policy on innovation ecosystem in knowledge resource scare region: Case study of Changzhou, China. *Science, Technology and Society, 24*(1), 29-52. [DOI:10.1177/0971721818806096]

Mah, D. N. Y., & Hills, P. (2012). Collaborative governance for sustainable development: Wind resource assessment in Xinjiang and Guangdong Provinces, China. *Sustainable Development, 20*(2), 85-97. [DOI:10.1002/sd.466]

Marquardt, J. (2017). Conceptualizing power in multi-level climate governance. *Journal of Cleaner Production, 154*, 167-175. [DOI:10.1016/j.jclepro.2017.03.176]

Melnychuk, N., & de Loë, R. (2020). Legitimacy assessment throughout the life of collaborative water governance. *Environmental Policy and Governance, 30*(1), 14-28. [DOI:10.1002/eet.1872]

Menahem, G., & Stein, R. (2013). High-capacity and low-capacity governance networks in welfare services delivery: A typology and empirical examination of the case of Israeli municipalities. *Public Administration, 91*(1), 211-231. [DOI:10.1111/j.1467-9299.2012.02044.x]

Nabatchi, T., Sancino, A., & Sicilia, M. (2017). Varieties of participation in public services: The who, when, and what of coproduction. *Public Administration Review, 77*(5), 766-776. [DOI:10.1111/puar.12765]

Nabatchi, T. (2012). Putting the "public" back in public values research: Designing participation to identify and respond to values. *Public Administration Review, 72*(5), 699-708. [DOI:10.1111/j.1540-6210.2012.02544.x]

Ostrom, E. (2010). Beyond markets and states: Polycentric governance of complex economic systems. *American Economic Review*, *100*(3), 641-672. [DOI:10.1257/aer.100.3.641]

Pollitt , C., & Bouckaert, G. (2011). Comparative public management reform: An introduction to the key debates. In C. Pollitt, & G. Bouckaert (Eds), *Public management reform: A comparative analysis-new public management, governance, and the Neo-Weberian state* (pp.1-30). *Oxford: Oxford University Press*. https://www.google.com/books/edition/Public_Management_Reform/E0fdN3KiPmgC?hl=en&gbpv=0

Rosenau, J. N., & Czempiel, E. O. (1992). *Governance without government: Order and change in world politics.* Cambridge: Cambridge University Press. [DOI:10.1017/CBO9780511521775]

Sørensen, E., & Torfing, J. (2017). Metagoverning collaborative innovation in governance networks. *The American Review of Public Administration, 47*(7), 826-839. [DOI:10.1177/0275074016643181]

Tarmohammadi, G. Z., Abdollahzadeh, G., Sharifzadeh, M. S., & Qezel, A. (2020). [Feasibility investigation of good governance in the participatory water management in Aqqal County (Persian)]. *Journal of Water Research in Agriculture, 34*(2), 287-300. [DOI:10.1177/0275074016643181]

Van de Walle, S., Hammerschmid, G., Andrews, R., & Bezes, P. (2016). Introduction: Public administration reforms in Europe. In G. Hammerschmid, S.Van de Walle, A. Rhys, & P. Bezes (Eds), *Public administration reforms in Europe: The view from the top (*pp. 1-11). Cheltenham: Edward Elgar Publishing. [DOI:10.4337/9781783475407.00006]

Voorberg, W., Bekkers, V., Flemig, S., Timeus, K., Tõnurist, P., & Tummers, L. (2017). Does co-creation impact public service delivery? The importance of state and governance traditions. *Public Money & Management, 37*(5), 365-372. [DOI:10.1080/09540962.2017.1328798]

Wanna, J. (2008). Collaborative government: Meanings, dimensions, drivers and outcomes. In J. O'Flynn, & J. Wanna (Eds), *Collaborative governance: A new era of public policy in Australia?* (pp. 3-12). Canberra: ANUE Press. [DOI:10.22459/CG.12.2008.01]

Warsen, R., Greve, C., Klijn, E. H., Koppenjan, J. F., & Siemiatycki, M. (2020). How do professionals perceive the governance of public-private partnerships? Evidence from Canada, the Netherlands and Denmark. *Public Administration, 98*(1), 124-139. [DOI:10.1111/padm.12626]

Weible, C. M. (2008). Caught in a Maelstrom: Implementing California marine protected areas. *Coastal Management 36*(4), 350-373. [DOI:10.1080/08920750802266387]

Wu, X., Ramesh, M., & Howlett, M. (2015). Policy capacity: A conceptual framework for understanding policy competences and capabilities. *Policy and Society, 34*(3-4), 165-171. [DOI:10.1016/j.polsoc.2015.09.001]

Zadek, S., & Radovich, S. (2006). Governing collaborative governance. Enhancing development outcomes by improving partnership governance and accountability. *AccountAbility and the Corporate Social Responsibility Initiative, 23,* 1-28. https://www.commdev.org/pdf/publications/Governing-Collaborative-Governance.pdf

Zand Razavi, S. B., Khaniki, H., Nasrollahi, A., & Boostani , D. (2019). [Meaning reconstruction of participatory water governance: A qualitative review of group communication of groundwater beneficiaries of Rafsanjan plain 1395-1397 (Persian)]. *Iranian Journal Of Social Studies, 12*(4), 44-66. https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=496194

Mohamadi, N., & Danaee Fard, H. (2019). [The model of collaborative governance for developing renewable energies in Iran: Institutional perspective (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy, 9*(30), 133-155. http://sspp.iranjournals.ir/article_34931.html?lang=en